

عنوان مقاله: ویژگی‌های اجتماعی و اعتقادی نزد اعراب معاصر با ظهور اسلام در اشعار خنساء

نویسنده: محمد حسین کاظمی، زهرا روح الهی امیری

منبع: فصلنامه علمی سخن تاریخ

سال ۱۶ شماره ۳۷ بهار ۱۴۰۱ صص ۱۳۷-۱۱۴

چکیده

- اشعار باقی مانده از دوره ی هم عصر با ظهور اسلام، که در بستر جامعه جاهلی سروده شده است یکی از منابع شناخت جامعه ی آن دوران است. خنساء به عنوان یکی از مشهورترین شاعران آن عصر، در اشعارش به برخی از ویژگی های آن جامعه توجه داشته است. این پژوهش درصدد بیان ویژگی های اجتماعی و اعتقادی نزد اعراب معاصر با ظهور اسلام در اشعار خنساء است.

بستر جامعه جاهلی

- در این مسیر از منابع کهن و پژوهش های جدید و روش توصیفی- تحلیلی استفاده شده است. یافته های این پژوهش نشان می دهد که خنساء در اشعار خود برخی ویژگی های مهم اجتماعی مانند **شجاعت و جنگاوری**، **پرچم داری لشکر**، **خون خواهی و انتقام جویی**، **غارت گری**، **فتوت و جوانمردی**، **سخاوت و کرم**، **مهمان نوازی**، **خطابه و سخنوری و عفت و پاکدامنی** را بیان کرده است. همچنین اعتقاد به مسائلی مانند وجود خداوند، جبرگرایی و وجود جن به عنوان باورهای اعراب معاصر ظهور اسلام، در اشعار خنساء مورد توجه قرار گرفته است.

کلید واژه:

- جاهلیت، خنساء، شعر جاهلی هم عصر اسلام، ویژگیهای اجتماعی، ویژگیهای اعتقادی.

مقدمه

اشعار برجای مانده از دوران گذشته یکی از ابزارهای قابل توجه شناخت یک جامعه به حساب میآید و می تواند وضعیت فرهنگی، تمدنی، اجتماعی، اعتقادی و اخلاقی جامعه ای را که شاعر در آن زیسته نشان دهد. با توجه به اینکه اشعار دوران معاصر با ظهور اسلام، یکی از مهمترین میراث باقیمانده از آن دوران است، میتوان با دقت نظر در آن به ویژگیهای رایج اجتماعی و اعتقادی آن عصر وی برد.



INTRODUCTION

shutterstock.com · 2638001171

- خنساء یکی از معروفترین شاعران دوران جاهلیت و در اسلام است که به خاطر مرثیه های سروده در سوگ برادران خاصه **صخر** به شهرت رسید. هرچند مرثیه های خنساء بیشتر به گونه ی است که در آن مدح و مرثیه به هم آمیخته اند و خصوصیات صخر را به عنوان نمونه ی کامل یک مرد عرب جاهلی نمایان می کنند؛ اما آنچه در این میان جلب توجه میکند این است که میتوان با استفاده از اشعار خنساء برخی از ویژگیهای اجتماعی و اعتقادی جامعه عرب منتهی به عصر ظهور اسلام را نیز شناسایی نمود.

مرثیه های سروده در سوگ برادران

- در این نوشتار، با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی و با تکیه بر منابع کهن، پژوهش های جدید، تکنیک جمع آوری داده ها به صورت کتابخانه ای و اعتقادی دوران معاصر با ظهور اسلام مورد مطالعه قرار گرفته و سپس با مفاهیمی که خنساء در اشعار خود به آن ها اشاره کرده مطابقت داده شده است. در واقع این نوشتار می کوشد تا به این پرسش پاسخ دهد که: «ویژگی های اجتماعی و اعتقادی نزد اعراب معاصر با ظهور اسلام در اشعار خنساء چیست؟»

روش توصیفی- تحلیلی

پیشینه تحقیق



عایشه عبدالرحمن

• پیش از این پژوهش های ارزشمندی در مورد خنساء و اشعارش صورت گرفته است. عایشه عبدالرحمن (۱۹۷۰ میلادی) در کتاب «الخنساء» به زندگی، زمانه و جایگاه شاعری خنساء توجه کرده و برخی از اشعار او را نیز از جهت ادبی و محتوایی مورد مطالعه قرار داده است. محمد جابر عبدالعال الجبنی (۱۹۷۷ میلادی) در کتاب «الخنساء شاعره بنی سلیم» پس از پرداختن به خانواده و زندگی خنساء اشعار او را از لحاظ ادبی مورد بررسی قرار داده است. علی نجیب عطوی (۱۹۹۳ م) در کتاب «الخنساء بنت عمرو شاعره الرثا فی العصر الجاهلی» نخست زندگی و دوران خنساء را مورد مطالعه قرار داده و سپس به بررسی مضمون مرثیاتی او می پردازد.

- مریم نقدی دو رباطی و عباس یداللهی (۱۳۸۹ ش) در مقاله ی «**واکاوی روان شناختی سروده های خنساء**» مرثیه های خنساء را از دیدگاه روانشناسی مورد بررسی و تحلیل قرار داده اند. عظیم طهماسبی (۱۳۹۰ ش) در «**مدخل خنساء**» دانشنامه جهان اسلام، زندگی و زمانه و جایگاه شعری خنساء را مورد مذاقه قرار داده و اشاره ای هم به مضامین شعری او دارد.

- سید مهدی مسبوق و نرگس نسیم بهار (۱۳۹۲ ش) در مقاله «**پیوند موسیقی و رثاء در شعر خنساء**» موسیقی اشعار خنساء و پیوند آن با مضمون رثا را مورد بررسی و واکاوی قرار داده است. در هیچ کدام از این تحقیقات ارزشمند، ویژگی های اجتماعی و اعتقادی معاصر با ظهور اسلام در اشعار خنساء مورد توجه قرار نگرفته و ما ضمن بهره مندی از این تحقیقات، به این ویژگی ها و مفاهیم توجه داشته و به مطالعه ی آنها پرداختیم.

مفهوم شناسی

- منظور ما از دوران معاصر با ظهور اسلام، دوره جاهلیت و اندکی پس از ظهور اسلام است. جاهلیت نیز به دوران قبل از ظهور اسلام در سرزمین حجاز گفته می شود (فراهیدی، ۱۴۰۸، ج ۳، ۳۹۰) و زمان تقریبی آغاز آن را حدود ۱۵۰ سال پیش از اسلام دانسته اند (فاخوری، ۱۳۷۸، ۳۵) منظور از ویژگی های اجتماعی و اعتقادی اش نیز آن دسته از خصلت ها و باورهایی است که برای اعراب عصر جاهلی اهمیت داشته است.

ویژگی های اجتماعی و اعتقادی اش

زیست نامه

- **تماضر دختر عمرو بن شریذ سلیمی ملقب به خنساء**، شاعره و مرثیه سرای نامدار عصر جاهلیت است که دوران اسلامی را هم درک کرده است. در اصطلاح به این افراد **مخضرم** گویند. {۳} خنساء در لغت، بینی کوتاه و کشیده ای را گویند که نوک آن بر آمده باشد و برای گاو وحشی نیز به کار می رود (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۶: ۷۲) وی حدود سال ۵۷۵ میلادی متولد شد و در قبیله ی بنی سلیم در خاندانی پر نفوذ و توانگر پرورش یافت. خنساء دوبار ازدواج کرد. نخستین همسرش مردی به نام رواحه بن عبدالعزی سلمی بود و از او صاحب پسری شد به نام عمرو، معروف به ابوشجره، شوی مرداس بن ابی عامر سلمی نام داشت و از او نیز صاحب چند فرزند شد که **همه در دلیری و شاعری اشتهار یافتند** (دینوری، ۱۴۲۳ الف، ج ۱، ۳۳۱-۳۳۲، فاخوری، ۱۳۷۸: ۱۴۵)
- {۳} به افرادی که بخشی از عمر خود را در جاهلیت و بخش دیگر را در عهد اسلامی گذرانده باشند مخضرم گویند (فراهیدی، ۱۴۰۸، ج ۴: ۳۲۹)

• **خنساء ابتدا اهتمام چندانی به شعر نداشت** تا این که دو برادرش معاویه و صخر (- درباره
ی شهرت صخر و معاویه و تفاخر پدرشان به آن رک: دینوری، ۱۴۲۳ الف، ج ۱: ۲۳۵ و بلاذری،
۱۴۱۷، ج ۱۳: ۳۰۴) که از بزرگان بنی سلیم بودند در جنگ های دوران جاهلی به قتل
رسیدند (عسقلانی، ۱۳۱۵، ج ۸، ۱۱۰) خنساء پس از آن با جدیت به شاعری پرداخت و در غم
فقدان آنان مرثیه های فراوانی سرود.

- دانسته است که بخش قابل توجهی از اشعار خنساء در سوگ برادرانش سروده شده و در این میل توجه بیشتری به صخر دارد، **زیرا صخر به صفات عالیه یک حرب بدوی چون شجاعت، کرم، وفا و علو همت آراسته بود** (فاخوری، ۱۴۵: ۱۳۷۸) و در دوران زندگی خود بارها خنساء را مورد لطف و حمایت و بخشش های مالی خود قرار داده بود (فروغ، ۱۹۸۴ (الف)، ج ۱: ۳۱۷)

- خنساء دوران اسلام را درک کرد و **به همراه گروهی از افراد قبیله اش - بنی سلیم -** نزد پیامبر (ص) رفت و اسلام آورد و برخی اشعارش را در محضر حضرت خواند که مورد توجه پیامبر(ص) واقع شد (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۱۸۲۷: ۴) به همین منظور، نام او را در شمار اصحاب پیامبر(ص) آورده اند (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۱: ۱۸۲۷-۱۸۲۹، ابن اثیر، عزالدین، ۱۴۰۹، ج ۶، ۸۸-۹۰، عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۸: ۱۱۲-۱۰۹)

- خنساء به همراه چهار فرزندش در نبرد قادسیه شرکت داشت و پس از کشته شدن آنان در جنگ، در کمال شکیبایی گفت: «سپاس خدایی را که من را به سبب قتل آنان شرافت بخشید و امیدوارم که خداوند من را به همراه آنان در رحمت خود قرار دهد.» (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۴: ۱۸۲۸-۱۸۲۹) **اما کیفیت حضور خنساء در قادسیه روایتی داستان گونه و آشفته دارد.**

- همچنین وجود روایتی مشابه از زبان شعبی درباره حضور یک زن نخعی به همراه چهار پسرش در نبرد قادسیه که سخنانی مشابه آنچه از دهان خنساء نقل شده به زبان آورده است، (طبری، ۱۳۸۷، ج ۳، ۵۴۴) باعث شده تا **برخی از پژوهشگران در کیفیت و یا حتی صحت این واقعیت تشکیک کرده و تردید هایی را درباره آن بیان کنند.** (رک: بنت شاطی، ۱۹۷، ص ۴۸-۵۳، جنبی، ۱۹۷۷، ص ۸۹ به بعد) خنساء پس از اسلام نیز به سوگواری برای برادرانش ادامه داد و اشعاری در رثای آنان سرود. (ابن حمدون، ۱۹۹۶، ج ۴، ۲۷۲، ابن عبدربه، ۱۴۰۴، ج ۳، ۲۲۲-۲۲۳)



- تاریخ وفات خنساء به درستی مشخص نیست و سال ۲۴ یا ۴۳ هجری قمری را برای آن ذکر کرده اند (فروخ، ۱۹۸۴ (الف)، ج ۳۱۸: ۱)

جایگاه شعری خنساء



نابغه ذبیانی

- خنساء را می توان یکی از بزرگترین شاعران عصر جاهلیت و صدر اسلام قلمداد کرد که شخصیت و اشعارش در دوران حیاتش مورد توجه قرار گرفت و باعث شهرت او شد. این قتیبه گزارشی از داوری نابغه ذبیانی {۴} درباره شعری از خنساء را نقل کرده که **نابغه به برتری شعر خنساء نسبت حسان بن ثابت {۵} رای داده است** (دینوری، ۱۴۲۳ الف ج ۱، ۳۳۲، اصفهانی ۱۴۱۵، ج ۹: ۲۳۲ {۶})
- {۴} زیاد بن معاویه ذبیانی به خاطر فراوانی شعر و نبوغ و برتری در آن به نابغه شهرت یافت. وی یکی از اشراف قوم خود بود. شاعران داوری او در شعر را پذیرفته بودند و برای داوری اشعار نزد او می رفتند (رک: فاختوری، ۱۳۷۸: ۹۵-۹۸)
- {۵} حسان بن ثابت انصاری یکی از شاعران مطرح جاهلیت که اسلام را درک کرد و با شعر خود پیامبر (ص) را یاری نمود (رک: همان، ص ۱۷۷)
- {۶} با وجودی که این گزارش از قرن سوم به بعد شهرت داشته است اما توسط برخی از محققین مورد تردید قرار گرفته است. برای مطالعه گزارشی از این نقدها (رک: بنت شاطی، ۱۹۷۰، ص ۶۵-۶۱)

- نکته ای که نباید از آن غفلت کرد این که حتی اگر نظر منتقدان این گزارش را بپذیریم و به صحت این گزارش با تردید نگاه کنیم، دانسته است که وجود این گزارش نشان دهنده ی جایگاه شاخص خنساء در عصر کتابت این گزارش است که می تواند در روشن شدن جایگاه شعری خنساء به ما کمک کند.

- پس از جنگ بدر، هند دختر عتبه همسر ابوسفیان و مادر معاویه که پدر، عمو و برادرش در نبرد بدر هلاکت رسیده بودند خود را به **بازار عکاظ** در مکه رساند تا اشعار حزن انگیز خود درباره آنان را به خنساء نشان دهد و اشعارش را در برابر او خواند (ابن حمدون ۱۹۹۶، ج ۴ : ۲۷۱-۲۷۲، اصفهانی، ۱۴۱۵، ۴: ۴۰۱-۴۰۲) **همچنین گفته شد که اشعار خنساء مورد توجه پیامبر (ص) هم قرار گرفته است** (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۴، ۱۸۲۷) پس از آن و در دوره بنی امیه نیز (۴۱-۱۳۲ ق) اشعار خنساء مقبولیت داشته و برخی شاعران از شعر او متأثر بوده اند (طهماسبی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ۲۰۹)

• البته ممکن است این امر در اثر بروز قیام ها و فتنه های دوران امویان باشد که با سرکوب شدید حکومت همراه بوده و در نتیجه گروه زیادی در سوگ عزیزان خود به مرثیه روی می آوردند. بزرگان نامداری در دوره امویان مانند شعبی (اصفهانی، ۱۴۱۵، ج ۱۱: ۱۹ ف عامر بن شراحیل معروف به شعبی، از تابعان کوفی بود که در حدیث و فقه شهرت داشت. ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۳۱-۲۳۰)، جریر و بشار بن برد (شریسی، ۱۴۲۷، ج ۳: ۱۶۷-۱۶۸) دو تن از شاعران عصر امویان، رک: فاخوری، ۱۳۷۸: ۲۲۶ و ۲۸۴) لب به تحسین خنساء گشودند و از ان پس اشعارش مورد توجه قرار داشته است (رک: بنت شاطی، ۱۹۷۰، ص ۶۷-۷۰، نجیب عطوی، ۱۴۱۳: ۱۳۸-۱۴۰)

شعبی

- شهرت خنساء به خاطر اشعاری است که در رثای برادران خود سروده است. «رثا» در اصطلاح به معنای «گریستن بر میت؛ ابراز اندوه بر فقدان عزیزی از دست رفته؛ اظهار تاسف از مرگ او؛ تصویر خسارتی که حاصل فقدان اوست؛ بر شمردن فضایل و ذکر صفات نیکوی او با هر انگیزه و غرضی و سرانجام بیان این که مرگ، امری است محتوم و هیچ کس را از آن گریزی نیست» (آبدانان مهدیزاده، بهروزی، ۱۳۸۶: ۱۶۳) اما این رثا دارای جنبه های گوناگونی است (رک: آبدانان مهدیزاده، بهروزی، ۱۳۸۶)

- مراثی او تنها نشان دهنده غم و اندوه بر فقدان برادرانش نیست بلکه خنساء علاوه بر نشان دادن غم و اندوه فراوان نسبت به فقدان ان دو، به تحسین و تمجید آنان نیز پرداخته است که به این نوع از مرثیه اصطلاحاً «**تابین**» (- مدحی که تنها برای افراد درگذشته هنگام مرثیه به کار بوده اند) (طهماسبی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ۲۰۹)

تحسین و تمجید



حنا الفاخوری

- البته ممکن است این امر در اثر بروز قیام ها و فتنه های دوران امویان باشد که با سرکوب شدید حکومت همراه بوده و در نتیجه گروه زیادی در سوگ عزیزان خود به مرثیه روی می آوردند.
- بزرگان نامداری در دوره امویان مانند شعبی (اصفهانی، ۱۴۱۵، ج ۱۱: ۱۹، عامر بن شراحیل معروف به شعبی، از تابعان کوفی بود که در حدیث و فقه شهرت داشت. ابن کثیر، ۱۴۰۷ ف ج ۹: ۲۳۰-۲۳۱)، جریر و بشار بن برد (شریسی، ۱۴۲۷، ج ۳: ۱۶۷-۱۶۸) دو تن از شاعران عصر امویان، رک: فاخوری، ۱۳۷۸: ۲۲۶ و ۲۸۴) لب به تحسین خنساء گشوده و از آن پس اشعارش مورد توه قرار داشته است (رک: بنت شاطی، ۱۹۷۰، ص ۷۰-۷۰، نجیب عطوی، ۱۴۱۳: ۱۳۸-۱۴۰)

- شهرت خنساء به خاطر اشعاری است که در رثای برادران خود سروده است. «رثا» در اصطلاح به معنای «گریستن بر میت؛ ابراز اندوه بر فقدان عزیزی از دست رفته؛ اظهار تاسف از مرگ او؛ تصویر خسارتی که حاصل فقدان اوست؛ بر شمردن فضایل و ذکر صفات نیکوی او با هر انگیزه و غرضی و سرانجام بیان این که مرگ، امری است محتوم و هیچ کس را از آن گریزی نیست» (ابدانان مهدیزاده، بهروزی، ۱۳۸۶: ۱۶۳) اما این رثا دارای جنبه های گوناگونی است. (ر ک: آبدانان مهدیزاده، بهروزی، ۱۳۸۶)

- مراثی او تنها نشان دهنده ی غم و اندوه بر فقدان برادرانش نیست بلکه خنساء علاوه بر نشان دادن غم و اندوه فراوان نسبت به فقدان آن دو؛ به تحسین و تمجید آنان نیز پرداخته است که به این نوع از مرثیه اصطلاحاً «**تابین**» (- مدحی که تنها برای افراد درگذشته هنگام مرثیه به کار می رود «**تابین**» گویند. فراهیدی، ۱۴۰۸، ج ۸، ۳۸۴، عسکری، ۱۴۰۰: ۴۲) گویند. (رک: الشوری، ۱۹۸۳: ۱۵۷-۲۰۲)

- در تابین های عصر جاهلی، شاعر متوفی را به صفاتی مانند **شجاعت، کرم، وفا و شرف** می ستاید و او را صاحب همه صفات پسندیده دانسته و به گونه ای معرفی می کند که گویی فقط اوست که گرسنگان را سیر، اسیران را آزاد و بی سرپرستان را پرستاری می کند و در واقع در بیشترین تابین های آنان نوعی غرور کاذب به چشم می خورد(آبدانان مهدی زاده، بهروزی، ۱۳۸۶، ۱۷۲)

- در لا به لای اشعار خنساء برخی از ویژگی های اجتماعی و اعتقادی جامعه ی جزیره العرب معاصر ظهور اسلام هویدا است که با توجه به در هم تنیده شدن احساسات و عواطف به همراه مدح و رثا، می توان گفت اشعار او بیشتر نمایان گر ویژگی های مثبت اجتماعی دوران جاهلیت است، با این حال مواردی از ویژگی های ناپسند و همچنین عقاید این دوران نیز را در شعر او یافت می شود.

مدح و رثا

۱- ویژگی های اجتماعی

- هر جامعه دارای ویژگی های اجتماعی خاص خود است که ریشه در نگرش و رفتار افراد آن جامعه دارد و نشان دهنده ی خصلت مهم اخلاقی و فرهنگی آن جامعه است. این ویژگی ها و مفاهیم در تمام جامعه مورد پذیرش و اتفاق قرار دارد و در مدح و ذم افراد مورد استفاده قرار می گیرد.

۱-۱- شجاعت و جنگاوری

- یکی از ویژگی های مهم نزد اعراب، آشنایی با جنگ و درگیری و حتی عادت به آن بود. در عصر جاهلیت، جنگ های مداوم قبایل بر سر آب، مرتع و جز آن، روحیه ی خاصی در اعراب به خصوص در اعراب بادیه- به وجود آورده بود. (جعفریان، ۱۳۸۶: ۳۲۲) اعراب در چنین فضایی نیازمند دفاع دائمی از خود، خانواده و اموالشان در مقابل دشمنان و حیوانات درنده بودند و به همین شجاعت و جنگاوری از همان دوران کودکی در آنها شکل می گرفت(- فروخ، ۱۹۸۴ (ب): ۵۷)

• و در دفاع از شرافت قبیله یا زنان خود و صیانت آنان در برابر خواری و ذلت اسارت، شجاع و دلیر بودند و در این راه اعتنایی به مرگ نمی کردند (سالم، ۱۳۸۰، ص ۳۴۵) شجاعت و جنگاوری در آن دوران مایه فخر و مباهات افراد بود. عنتره بن شداد شجاعت و جنگاوری خود را این گونه بیان می کند.

• فلو انَّ عینیکِ یومَ اللِّقاءِ یری موقفی زدتِ لی فی المَحَبَّه
• یُفیضُ سِنانی دماءَ النُّحُورِ و رُمحی یَشکُّ مع الدرعِ قلبه (مصری، بی تا، ۵)

• ای فرزندان قبیله بنی سلیم، اگر با قبیله فقعی در میدان کارزار رویارو شدید با شمشیرها و نیزه هایتان بر آنان هجوم برید و خونشان را بسان قطره های باران بریزید تا آنکه جمعیت آنها را پراکنده کنید و قتلگاه خر و خونخواهی او که انجام نشده به یادبیاورید.

۱-۴- غارت گری

- در عصر جاهلیت، جنگ های زیادی میان قبایل عرب روی می داد. این درگیری از عوامل گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، روانی سرچشمه می گرفت. گاهی کمبود امکانات زندگی در جزیره العرب باعث بروز جنگ برای تامین اهداف اقتصادی بود. (سالم، ۱۳۸۰: ۳۲۸-۳۲۷) این گونه درگیری ها بیشتر در قالب غارت و چپاول نمایان می شد و هر فرد یا قبیله ای برای تامین نیازهای خود به آن مبادرت می کرد. این خصلت به گونه ای در عصر جاهلیت مرسوم بود که امام علی(ع) **رواج غارت گری های پیاپی** را به عنوان یکی از نکات منفی عصر جاهلیت معرفی می کند(رضی، ۱۳۸۰، ۳۹۴)

- خنساء نیز به این مساله به عنوان یکی از ویژگی های برادرش اشاره کرده و می گوید:
- یذکرنی طلوع الشمس صخرا
واذکروه لكل غروب الشمس (طماس، ۱۴۲۵: ۷۲)
- برآمدن آفتاب، صخرا را یاد من می آورد و به هنگام غروب خورشید او را یاد می کنم. واضح است که خنساء در این بیت آشکارا از غایت برادر خود سخن گفته و با تعبیر «یذکرنی طلوع الشمس» بیان می کند که صخر دارای خصلتی بوده که طلوع خورشید یادآور آن در ذهن است. اما طلوع خورشید یا به تعبیر دیگر ابتدای صبح چه صفتی را در ذهن عرب جاهلی تداعی می کرده است که خنساء در این مصرع به آن اشاره دارد؟ در پاسخ به این سوال باید گفت که در فرهنگ عرب جاهلی، طلوع خورشید و ابتدای صبح، زمان مناسبی برای غارت و شبیخون بوده و به روز شبیخون و غارت «یوم الصباح» می گفتند. (فراهیدی، ۱۴۰۸، ج ۳، ۱۲۵، ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۲: ۵۰۵)

- زیرا مردم در این هنگام غرق خواب بودند و به راحتی غافل گیر می شدند و به همین دلیل بسیاری از جنگ ها و یورش های دوران جاهلیت در این زمان صورت می گرفت و اگر کسی را با لفظ «**فتی الصباح**» خطاب می کردند کنایه از شجاعت و دلاوری و بود. (جواد علی، ۱۴۱۳، ج ۵، ۴۴۰) ادبایی مانند مبرد (۲۸۵ قمری)، ابوالفرج اصفهانی (۳۵۶ قمری) و ابن جنی (۳۹۲ قمری) عبارت «**یذکرنی طلوع الشمس**» را در مصرع اول به معنی غارت هنگام صبح دانسته اند. (مبرد، ۱۴۰۷، ج ۱: ۱۷ و ج ۲، ص ۱۳۲، اصفهانی، ۱۴۱۵، ج ۱۷: ۱۱۷، ابن جنی، ۱۴۲۹، ج ۲، ۵۰۹)

۱-۵- فتوت و جوانمردی

- فتوت در لغت از مصدر «فتاء» به معنای جوانی است و برخی آن را به معنای آزادگی و کرم گرفته اند. (فراهیدی، ۱۴۰۸، ج ۸، ۱۳۷، زمخشری، ۱۹۷۹، ب، ص ۴۶۳) قشیری در این مورد می گوید: «اصل فتوت این است که بنده در تلاش برای انجام کارهای دیگران باشد.» (قشیری، ۱۳۹۱، ۲۹۱) این واژه در دوران جاهلیت نیز مورد توجه شاعران قرار داشته و طرفه بن عبد-وی شاعران معروف عصر جاهلیت و از قبیله بکر بن وائل بود. رک: فاختوری، ۸۲: ۱۳۷۸-۷۱) آن را ویژگی شخصی می داند که به یاری قوم و قبیله ی خود می شتابد.

- اذا القومُ قالو مَنْ فتى خِلْتُ اَنّنى دَعَيْتَ فلم اكسل و لم اتبَلّد
- و لستُ بِحلالِ التّلاعِ مخافهً و لكن مَتى يَسْتَرْفِدَالْقَوْمُ اَرَفِدِ(قرشى، ۲۰۰۰: ۲۰۲)
- هنگامی که مردم قبیله می گویند جوانمرد کیست، گمان می کنم مرا فرا خوانده اند، پس تنبلی نمی کنم.
- من به سبب ترس از آمدن میهمانان بالای کوه نمی روم و پنهان نمی شوم، بلکه هر گاه مردم از من یاری و کمک خواهند به آنان کمک می کنم.
- اما نتایج برخی پژوهش ها نشان می دهد که معنای این واژه در جامعه ی آن روز، گستردگی بیشتری داشته و شامل بخشش، شجاعت، وفای به عهد، حمایت از ضعیف، گذشت و وقار بوده است. (دزفولی و صیادانی، ۱۳۹۱، ص ۱۶۸-۱۶۹)

- خنساء در اشعار خود، برادرش صخر را به عنوان فردی که دارای تمامی صفت جوانمردان است مورد ستایش قرار می دهد و مفاهیمی مانند دفاع از حقوق افراد ضعیف، کمک به فقرا و نیازمندان، آزاد کردن بندگان، پناه دادن به افراد خطا کار و برطرف کردن مشکلات مردم را مطرح می کند.

- هو الفتی الکامل حقیقه ماوی الضریک، اذا ما جاء متناوبا(طماس، ۱۴: ۱۴۲۵) او جوانی است با تمام خصوصیات جوانمردان، دفاع کننده از حق خود و پناه فقیران و ضعیفان، زمانی که پی در پی نزد او می آیند.

- کم من ضرائک هلاک و ارملة
- حلوأ لدیک فزالت عنهم الکرب (یماس، ۱۷: ۱۴۲۵)
- چه بسیار افراد فقیر و بیوه زنان بی چیز که نزد تو آمدند و اندوهشان برطرف شد.
- نهار غاریه، ملجاء طاغیه
- فکاک عانیه للعظم جبار (طماس، ۴۶: ۱۴۲۵)
- شترهای خود را قربانی می کند، پناه افراد خطاکار، آزاد کننده ی اسیران و برطرف کننده ی مشکلات است.

۱-۶- سخاوت و کرم



- شرایط سخت و بی رحم زندگی در صحرا و وجود قحطی و خشکسالی باعث شد تا در نظر عرب خصلتی بالاتر از کرم وجود نداشته باشد. عرب جاهلی در زمان صلح و آرامش، بخشنده و جوانمرد بود و در بخشش بسیار مبالغه می کرد و در این راه مال و ثروت را خوار و بی اعتبار و بخشش و کرم را از مظاهر سیادت و سروری می دانست. (شوقی ضیف، ۱۳۷۷، ص ۶۸، سالم، ۱۳۸۰، ۳۴۲)

- حاتم طایی در این باره می گوید:

- یقولون لی: اهلکت مالک فاقتمد
(۴۴۰) و کا کنت لولا ما تقولون مفسدا(بکار، ۱۳۷۴، ص

- می گویند: دارایی خود را تباه ساختی، میانه روی پیشه کن، اگر چنان می کردم که ان ها می گویند به سروری نمی رسیدم.

- زهیر بن ابی سلمی در شعری به میزان سخاوت افراد کریم اشاره می کند که اگر چیزی در اختیار نداشته باشند، حتی حاضرند جان خود را نیز ببخشند.
- فلو لم یکن فی کفِّهِ غیرُ نفسِه لَجَادَ بِهَا فَلِیَتَّقِ اللّٰهَ سَائِلُهُ
- اگر جز جان خویش نداشته باشد، آن را می بخشد پس سائل از خدا پروا کند. - و از او چیزی نخواهد که جانش را فدا خواهد کرد.
- عنتبره بن شداد نیز در شعری، بخشش را خصلت افراد آزاده معرفی کرده و به ستایش آن می پردازد.
- واعلمُ انَّ الجودَ فی الناسِ شِیمَه تقوُّمُ بِهَا الاحرارُ و الطبعُ یغلبُ (مصری، بی تا: ۱۳)
- دانستم که بخشش خصلتی است که تنها افراد آزاده به آن عمل می کنند و سرانجام این سرشت بر دیگر امور غلبه می کند.

- خنساء در اشعار خود همواره صخر را به عنوان یک فرد کریم و سخاوتمند معرفی کرده و می گوید:

- و ان صخرا لوالینا و سیدنا و ان صخرا اذا نشتو لنحار(طماس، ۱۴۲۵، ۴۶)

- صخر مولای بزرگ ماست و چون زمستان فرا رسد شترهای خود را - برای ما- ذبح می کند.

- جواب اودیه حمال الویه
سمح الیدین جواد غیر مقتار(یماس، ۱۴۲۵: ۶۴)

- دشت ها را می پیماید، پرچم های جنگ را بر دوش می کشد، بخشنده است و سخاوتمند.

۱-۷ مهمان نوازی



- یکی از صفات بارز عرب جاهلی مهمان نوازی آنان است؛ عرب جاهلی با آنکه برای به دست آوردن منابع زیستی، دائما در نلش بوده و برای رسیدن به آن جنگ با رقبا می پرداخت، در عین حال، در برخورد با مهمان و پذیرایی و حمایت او روحیه ای کاملا مساعد داشت. (جعفریان، ۱۳۸۶، ص ۳۲۳)
- آنان به زیادی مهمان مباحات می کردند و در شب های سرد می کوشیدند تا با روشن کردن آتش، مهمانان را به سوی خود بکشانند و مسافران، با دیدن شعله های آتش به قصد گرم شدن به آنجا روی آورند و هرکس که به خیمه گاه می رسید حتی اگر از قبایل دشمن بود در امان می بود. (شوقی ضیف، ۱۳۷۷، ص ۶۸، سالم، ۱۳۸۰: ۳۴۴)
- حاتم طائی که به مهمان نوازی و گرم شهرت داشت در شعری به غلام خود دستور می دهد تا آتش روشن کند و اگر به سبب این کار، مهمانی را به خانه ی او بیاورد آن غلام را آزاد خواهد کرد

- او قد فان الیل لیل قر و الریح یا واقد ریح صر
- عل یری نارک من یمر ان جلبت ضیفا فانت حر (شنتمری، ۱۴۲۲، ج ۲: ۲۰۵)
- آتش روشن کن که امشب شب سردی است و باد سرد و تندی می وزد؛ ای آتش افروز، شاید رهگذری آتش تو را ببیند، اگر بتوانی مسافری را به خانه من جلب کنی، تو آزادی.
- وی همچنین در شعر دیگری بندگی مهمان را مایه مباهات و افتخار خود قرار داده است.
- و انی لعبد الضیف ما دام ثاویا و ما فی الا تلک من شیمه العبد(- همان، ص ۲۰۳)
- من تا زنده ام بنده ی مهمانم و تنها همین خصلت از خوی و عادات بندگان در من وجود دارد. خنساء در اشعار خود، برادرش صخر را به خاطر این ویژگی مورد ستایش قرار داده و می گوید:

• و ضیفِ طارق، او مُستجیر

• فاکرمه و آمنه فامسی

• و مهمانی که شب هنگام در را به صدا در می آورد یا پناه جویی که از هر صدایی قلبش به هراس می افتد

یُرَوِّعُ قَلْبَهُ مَنْ كُلِّ جَرَسٍ

خَلِیَا بِالْهُ مِنْ كُلِّ بَوَسٍ

- صخر او را اکرام کرد و امنیت خاطر به او بخشید و فکر او نیز از هر ناراحتی و ترسی خالی گردید.
- وی در شعر دیگری نیز می گوید:
- وابکی اخاک لایتام و ارملة وابکی اخاک لحق الضیف و الجار (طماس، ۱۴۲۵، ۶۵)
- به خاطر کودکان یتیم و بیوه زنان او و به خاطر مهمان و همسایه او (که بی پناه مانده اند) بر برادرت گریه کن

۱-۸ عفت و پاکدامنی

- گرچه در میان اعراب عصر جاهلیت کسانی بودند که در اذت و عشرت غوطه می خوردند و درباره زنان به تغزل های مغایر با عفت و پاکدامنی می پرداختند، اما در همین جامعه کسانی نیز بودند که به پاکدامنی و چشم پوشی از زنان و لذت های دیگر شهرت داشتند. آنان به پاکدامنی خود افتخار می کردند و به ستایش از آن کی پرداختند (سالم، ۱۳۸۰، ۳۴۸-۳۴۷)
- عنتره بن شداد می گوید:
- « واغض طرفی ما بدت لی جارتی
ج ۲، ۱۲۸)
- حتی یواری جارتی ماواها (شنتمری، ۱۴۲۲،
- من از نگاه همسایه ام چشم بربستم تا این که خانه اش او را از دیدگاه پنهان داشت.

- همچنین نابغه ذبیانی درباره پرهیز از روابط نامشروع می گوید:
- «حیاک ربی {ود} فانا لا یحل لنا
لهو النساء و ان الذین قد عزما» (شنتمری،
۱۴۲۲، ج ۱: ۱۴۶)
- درود بر تو باد (محبوبه من)، زیرا برای ما بازی با زنان روا نیست، و دین چنین امر کرده است.
- خنساء در رثای برادرش صخر، بر پاکدامنی و چشم پوشی وی از زنان نوحه گری می کند و می گوید:
- لم تره جاره یمشی بساحتها
لربیه حین یخلی بیده اجار (طماس، ۱۴۲۵: ۴۷)
- هرگز زن همسایه او را ندیده است که چون در خانه اش تنها بماند با بدگمانی به حریم وی گام گذارد.

۱-۹- خطابه و سخنوری

- خطابه در دوره جاهلی به دلیل وجود تنش های فراوان بین قبایل، آزادی بیان و همچنین غلبه ی مطلق فرهنگ شفاهی به یکی از اصلی ترین شیوه های برقراری ارتباط فراگیر جمعی تبدیل شد (شوقی ضیف، ۱۳۷۷، ص ۳۸۴، رودگر، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ۷۰۹) و اعراب از این فن برای منافره، مفاخره تشویق به جنگ با دعوت به صلح و همدلی، عرض تبریک با تسلیت، سفارت نزد شیوخ قبایل یا دربار فرمان روایان و مذاکرات برای حل و فصل اختلافات استفاده می کردند (جواد علی، ۱۴۱۳، ج ۸: ۷۷۵، شوقی ضیف، ۱۹۶۰، ب: ۲۷)



- خطیبان عصر جاهلیت که اغلب از طبقه ی اشراف و بزرگان قبایل و حکام بودند (جوادعلی، ۱۴۱۳، ج: *، ۷۹۴) در کنار شاعران وظیفه ی سخنگویی قبیله را بر عهده داشتند (شوفی ضیف، ۱۹۶۰ ب: ۲۹) خطیبان در دوره جاهلیت از مقام و موقعیت والایی برخوردار بودند و به خاطر اهمیت کارشان حتی از شعراء نیز پیشی گرفتند. (جاحظ، ۲۰۰۲ الف، ج: ۱: ۲۰۳، شوقی ضیف ۱۹۶۰: ۲۸-۲۹ قبایل عرب به داشتن خطبای فراوان افتخار می کردند (جوادعلی، ۱۴۱۳، ج: *، ۷۹۴) و در اشعار خود، آنان را هم ردیف دلیران و شجاعان مدح می کردند (جاحظ، ۲۰۰۲ الف، ج: ۱: ۱۹۶)

جاحظ

- خنساء در شعری برادر خود، صخر را به عنوان خطیب و سخنور توانایی مجالس و محافل معرفی می کند

- خطابُ محفله فراجُ مَظلمه
ان هابَ مَعْظَلَه سَنی باه بابا

- او سخنور محافل و برطرف کننده ی تاریکی هاست، اگر از مشکلی هراس داشته باشد برای حل آن چاره جویی کرده و دری می گشاید.

۲- مفاهیم اعتقادی

- مفاهیم اعتقادی نشان دهنده باورهای رایج در میان افراد یک جامعه است. این مفاهیم باید به گونه ای باشد که بخشی از افراد جامعه به آن معتقد بوده و از آن تبعیت کنند و هنگامی که سخن از آن مفاهیم به میان بیاید برای افراد جامعه قابل فهم و درک باشد.

۲-۱ اعتقاد به الله

- تردیدی نیست که کلمه «الله» در دوران جاهلیت شناخته شده بوده است و در قرآن و سیره پیامبر (ص) و اشعار، شواهد و دلایل بسیاری وجود دارد که بر اساس آنها می توان پذیرفت که در دوران جاهلیت معنای ویژه ای داشته است (سلیم الحوت، ۱۳۹۰: ۳۲۴-۳۲۵) به عنوان می توان به آیات ۶۱ و ۶۳ سوره عنکبوت اشاره کرد که نشان می دهد معاصر با ظهور اسلام اعتقاد به «الله» به عنوان خالق و پروردگار جهان، میان اعراب رواج داشته است. {۸}
- {۸} عنکبوت ۶۱: «و اگر از ایشان بپرسی: چه کسی آسمان ها و زمین را آفریده و خورشید و ماه را {چنین} رام کرده است؟ حتما خواهند گفت: الله پس چگونه {از حق} بازگردانیده می شوند» و آیه ۶۳ «اگر از آنان بپرسی: چه کسی از آسمان، آبی فرو فرستاده و زمین را پس از مرگش به وسیله آن زنده گردانیده است؟ حتما خواهند گفت: الله»

- علاوه بر قرآن مهم ترین منبع ما برای مشاهده این نوع باورها اشعاری است که از این دوره به دست ما رسیده که شامل شعرای بت پرست و غیر بت پرست می شود. در میان افراد غیر بت می توان از امیه بن ابی صلت (دینوری، ۱۹۹۲ ب، ص ۶۰) نا برد که در اشعار خود به مدح و ستایش «الله» می پردازد و از اعتقاد خود به توجید خرسند است.

- الی الله اهدی مدحتی و ثنائیا و قولاً رضیا لا ینی الدهر باقیا

- ستایش و مدح خویش را به «الله» هدیه می کنم و سخنی استوار را که با روزگار پاینده است. و در ادامه نیز می گوید:

- رضیت بک اللهم ربا فلن اری
ادین الها غیرک الله ثانیاً (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۶-۳۷)

- خشنودم که تو خدایا پروردگار من باشی و هیچ دینی را نمی پذیرم و به جز تو هیچ خدای دیگری را برای خود قرار نمی دهم.



اوس بن حجر

- اما مطابق گفته ابن ابی الحدید این نوع اعتقاد به «الله» در میان تمام بت پرستان چه کسانی که بت را شریک خداوند می دانستند و چه کسانی که بت را شریک خداوند می دانستند و چه کسانی که پرستش بت را عامل نزدیکی به خداوند به شمار می آوردند، وجود داشته است (ابن ابی الجحدید، ۱۴۰۴، ج ۱: ۱۱۹) این باور در آنان به گونه ای بود که به نام «الله» سوگند یاد می کردند. اوس بن حجر شاعر مضرى عصر جاهلیت (دینوری، ۱۴۲۳ الف، ج ۱: ۱۹۸) در کنار اعتقاد به لات و عزی به «الله» نیز اعتقاد داشت و به آن سوگند یاد می کرد و حتی «الله» را از آن دو بت، بالاتر می دانست.
- و باللّات و العزی و من دان دینها و بالله، ان الله منهن اکبر (ابن کلبی، ۱۳۶۴، ۱۷)
- سوگند به لات و عزی، و هر کس به دین آنان گرویده است، و سوگند به خدا، خدایی که از آنان بزرگتر است.

- خنساء نیز که در جامعه جاهلی رشد و نمو پیدا کرد، به «الله» اعتقاد داشت و در رثای برادر خود، آنگاه که می خواهد عمق مصیبت فراموش نشدنی خود را بیان کند با استفاده از واژه ی «الله» سوگند یاد می کند، گویا معنای نهفته در واژه ی «الله» در عالی ترین درجه تقدس قرار دارد.

- فلا و الله انساک حتی افارق مهجتي و یشق رمسی (طماس، ۱۴۲۵: ۷۲)
- به خدا سوگند فراموش نمی کنم تا میان من و دل جدایی افتد و قبرم شکافته شود.

۲-۲- اعتقاد به جبر و تقدیرگرایی

- اعتقاد به جبر و تقدیر گرایی در جامعه ی جاهلی رایج بودن و مشرکان در مقابل پیامبر (ص) نیز از این اعتقاد خود سخن می گفتند. قرآن کریم در این باره می فرماید: «مشرکان گفتند: اگر خدا می خواست نه ما و نه پدران ما، غیر او را پرستش نمی کردیم و چیزی را بدون اجازه ی او حرام نمی ساختیم! (آری) کسانی که پیش از ایشان بودند نیز همین کارها را انجام دادند ولی آیا پیامبران وظیفه ای جز ابلاغ آشکار دارند؟! » (نحل (۱۶) ایه ۳۵)

- برخی مفسرین بر این باورند که این آیه دلالت بر **اعتقاد به جبر** دارد. (طوسی، ۱۴۰۹، ج ۶: ۳۷۸ ف زمخشری، ۱۴۰۷ الف، ج ۲: ۶۰۴-۶۰۵) خنسا نیز هنگامی که تحمل اندوه صخر برای او دشوار می شود این مصیبت را به روزگار و بازی های آن نسبت می دهد و روزگار را مسئول این مصیبت ها قلمداد می کند تا از سنگینی غم خود بکاهد.
- تَبْکِی خُنَاسٌ عَلٰی صَخْرِ وَّ حَقٌّ لِّهَا اِذَا رَاَبَهَا الدَّهْرُ اَنْ الدَّهْرَ ضَرَّارٌ (طماس، ۱۴۲۵: ۴۵)

- خنساء بر صخر گریه می کند و سازوار چنین گریه ای است، زیرا که او دچار مصیبت روزگار شده، روزگاری که مصیبت بار است.
- خنساء در جای دیگر با تشبیه اوضاع خود به شتری فرزند مرده، باز هم روزگار را مسئول مصیبت های خود می داند تا به این وسیله از غم و اندوهش کاسته شود.
- و ما عجل علی بو تطیف به
لها حنینان اعلان و اسرار
- وما باوجد منی یوم فارقنی
صخر و للدهر احلاء و امرار (طماس، ۱۴۲۵:۴۶)
- شتر فرزند مرده ای که دور فرزند خود می گردد و آشکار و نهان آه و ناله می کند.



- چنین شتری سرگشته تر از من به هنگام جدایی از صخر نبود، به راستی که روزگار، گاه شیرین و گاه تلخ است.
- یا عین ما لک لا تبکین تسکابا
الدهر ریابا(طماس، ۱۴۲۵: ۱۳)
اذا رابَ دهر و کان
- چشم به اتفاقی برای تو افتاده است که گریه نمی کنی که روزگار دگرگون گشت و خیانت پیشه نمود.

۲-۳ اعتقاد به جن

- مردم در دوران جاهلیت به وجود جن اعتقاد داشتند (رک: گ عجینه، ۱۹۹۴، ج ۲: ۱۰) و این اعتقاد در برخی از رفتارهای آنان و در میان اخبار و اشعار آن دوران قابل مشاهده است. مفسران در ذیل آیه ۶ سوره ی جن به این مساله اشاره می کنند که برخی از مردان عرب در طول مسافرت خود اگر شب هنگام در بیابانی توقف داشتند می گفتند: «**اعوذ بعزیز هذا الوادی من شر سفها قومه**» پناه می برم به بزرگ این صحرا از شر نادان های قومش (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۵۵۶)



امیه بن ابی صلت

- که نشان دهنده ی اعتقاد اعراب به جن به عنوان موجودی صاحب قدرت است که انسان برای مصون ماندن از گرفتاری باید به آن پناه ببرد تا از شر او در امان بماند. وقتی مردی خانه ای می خرید یا چشمه آبی از زمین بیرون می کشید یا مواردی شبیه به آن پیش می آمد برای طایفه جن، پرنده ای قربانی می کرد. در جاهلیت می گفتند اگر کسی این عمل {قربانی دادن} را انجام دهد جن به خانواده اش آسیبی نمی رساند. توجه بسیار اعراب جاهلی به جن، در شعر امیه بن ابی صلت که برای نشان دادن اعتقاد راسخ خود به خداوند از امیدواری مردم نسبت به جن سخن می گوید و امید خود به خدا را نقطه مقابل امید اعراب به جن معرفی می کند

• حنانیک ان الجن رجاءهم

و انت الهی ربنا و رجائینا(ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۷)

• مهربانی و رحم کن پیش از این جن مایه امید آنان بود، در حالی که تو خدای من پروردگار و مایه امید من هستی

- در شعر شاعران، مکان های بسیاری به عنوان جایگاه جن ذکر شده که آن ها مثل زده می شده است، چنان که گفته می شود: جن البدی، جن البقار، جهیم، ابرق الحنان، ذو سمار و عقبر از جمله است (سلیم الحوت، ۱۳۹۰: ۳۵۳)

- مردمان عصر جاهلیت همچنین شاعران (جاحظ، ۱۴۲۳، ثعالبی، ۱۳۷۶، ترجمه انزابی نژاد، ص ۴، زمخشری، ج ۱: ۳۲۰-۳۱۹) کاهنان (جاحظ، ۲۰۰۲ الف، ج ۱: ۲۴۱) و هر فردی را که دارای نبوغ و استعداد خاصی بود و توانایی انجام کارهای مهم را داشت با جنیان مرتبط می کردند. (ابن اثیر، مبارک بن محمد، ۱۳۶۷، ج ۳: ۱۷۳)

- خنساء در یکی از ابیات خود، هنگامی که می خواهد بزرگی مصیبت خود را بیان کن، باورش در مورد جن را که برگرفته از جامعه جاهلی است بیان کند و می گوید:
- فلم أرَ مثله رُزاء لجنٍ و لم أرَ مثله رُزاء لانس (طماس، ۱۴۲۵: ۷۲)
- مانند مصیبت صخر هیچ مصیبتی را برای جن و انس ندیدم آنچه از شعر خنساء به دست می آید که با توجه به فرهنگ و اعتقادات جاهلی، جن را موجودی می داند که مانند انسان، غم و شادی بر او عارض می شود و به همین دلیل در توصیف عظمت مصیبت برادرش صخر، آن را به گونه ای بزرگ می داند که همانندش را در میان جن و انس ندیده است.

نتیجه

- جامعه معاصر با ظهور اسلام مانند دیگر جوامع انسانی دارای ویژگی ها و مفاهیم اخلاقی و اعتقادی است که مراجعه به میراث برجا مانده از آن دوران، به شناسایی و درک بهترش کمک می کند. اشعار باقی مانده از دوران جاهلیت، مهم ترین منبع شناخت آن عصر است و مطالعه ی دقیق آن، ابعاد مختلفی از ویژگی ها و مفاهیم نزد اعراب را روشن می کند.



میراث برجا مانده از آن دوران

- خنساء یکی از شاعران معروف **مخضرم** است که اشعار او در این پژوهش با هدف بیان ویژگی‌ها و مفاهیم اخلاقی و اعتقادی نزد اعراب معاصر ظهور اسلام، مورد مطالعه قرار گرفته است. هر چند اشعار خنساء نمی‌تواند آینه تمام‌نمای آن عصر باشد، اما بخشی از ویژگی‌های اجتماعی آن دوره را نمایان می‌کند. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که خنساء در اشعار خود، برخی ویژگی‌های اجتماعی مانند شجاعت و جنگاوری، پرچم‌داری لشکر، خون‌خواهی و انتقام‌جویی، غارت‌گری، فتوت و جوانمردی، سخاوت و کرم، مهمان‌نوازی، خطابه و سخنوری و عفت و پاکدامنی را بیان کرده است همچنین نشان می‌دهد که خنساء در اشعارش اعتقاد به مسائلی مانند الله به عنوان خالق و پروردگار، جبرگرایی و وجود جن را به عنوان باورهای اعراب معاصر ظهور اسلام مورد توجه قرار داده است.